

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده
شهر اسن المان

فتوای دلک

جنگ و جنگسالار تا در ملک ماست هر طرف بینی ، چو دشت کربلاست
گر سیاست دلبر و ، دین دلرباست ریش هر دو ، بسته در پای ملاست

گفتن حرف حقیقت نارواست

رهبر بی عرضه ما ، کور و کر فرق ، نتواند میان پا و سر
اختیار اسب ، داده دست خر کار فرهنگ وطن ، پا در هواست

گفتن حرف حقیقت نارواست

خرم قانغوزک غنڈل نما لاشخور باند و ماند مافیا
دشمن تاریخ و هم فرهنگ ها نوکر دالخور ، پاکستانیاست

گفتن حرف حقیقت نارواست

بد قواره ، آن هیولای چتل گنده فکر و ، گنده پوش و ، بد کفل
وحشی ای ، بدبوی بد خوی کچل نوکر گلبدین و از طالباست

گفتن حرف حقیقت نارواست

هرچه پاکستان بگوید ، آن کند دشمنی ، باملت افغان کند
راد مردان ، داخل زندان کند میگه این قانون از بابای ماست

گفتن حرف حقیقت نارواست

لیک فیاضی که ، بانام نصیر بس حقیقت گو و ، صادق ، بینظیر
گشته نزد کرگس و زاغان اسیر هرکه حق گوید ، سزاوار جزاست

گفتن حرف حقیقت نارواست

محترم فیاض ، افشا میکند پای اسماعیله بیجا میکند
نا امین فرهنگه رسوا میکند حیف ، آب و برفش از باد فناست

گفتن حرف حقیقت نارواست

رشوت و قاچاق و ، آن کار دگر غارت و فحشای ، بازیر و زیر
با تجاوز های جنسی ، سر بسر تحفه های رهبران بی خداست

گفتن حرف حقیقت نارواست

از ریاست گویمت ، یا از ریا از وزارت گویمت ، یا از سنا
وز لواطت گویمت ، یا از زنا آنچه را گویم به قرآن ، کُل بجاست

گفتن حرف حقیقت نارواست

بین شورا و ، وکیلان دغا هم رئیسان و ، وزیران شقا
چون لواطت مُدگشت و هم زنا کرزی و قانونی شاید در خفاست

گفتن حرف حقیقت نارواست

بچه بازی، چرس و هم تریاک و بنگ جامنی بستن به تن ، در پای ، زنگ
رقصی در میدان، با سارنگ و چنگ غیرت و هم ننگ و هم ناموس ماست

گفتن حرف حقیقت نارواست

گه دوازده ساله ، گه هشت ساله را گه مرغ و ، گاهی هم ، بزغاله را
نوه های عمه و از خاله را این دنانت ، این رذالت از کجاست

گفتن حرف حقیقت نارواست

چار مرد و حشی قرآن زده هم زنا ، با مادر و خواهر کده
جان طفل هشت ساله ، چون دده «نعمتا» بس ، بیش ازین شرم و حیاست

گفتن حرف حقیقت نارواست